

روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
دوشنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۱ _ ۸ رجب ۱۴۴۴ _ ۳۰ ژانویه ۲۰۲۳ - شماره ۲۱۱۶ _ سال هفتم
۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان - ضریب کیفی ۶۷۴
hamdelidaily.ir hamdeli@gmail.com newspaper.hamdeli
مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان
چاپ: ۰۲۱-۴۴۵۳۳۲۷۵
نشانی: تهران- میدان انقلاب - خیابان کارگر شمالی- کوچه مهر- پلاک ۶- طبقه اول- واحد ۳
تلفکس: ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۵-۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۱

کاور

خاطرات بنز (۷) وسایل مصرفی



امیرحسین جعفری
روزنامه‌نگار

یکی از نگرانی‌های بزرگ مردم برای خرید ماشین‌های کلاسیک، همان‌طور که در قسمت‌های قبل نیز به آن اشاره شد بحث تامین قطعات و پیدا کردن یک تعمیرکار مطمئن است. اما به واقع چنین نگرانی در سطوح مصرفی ماشین‌چندان وجود ندارد، هرچند ممکن است برای تعمیرات اساسی قطعات به سختی یا به قیمت بالا پیدا شود اما برای مصرف روزمره ماشین، قطعات بسیار است، به خصوص اگر در کلان‌شهرهای اصفهان، تهران، مشهد، شیراز و تبریز زندگی می‌کنید، قطعاً مغازه‌هایی برای فروش قطعات بنز و تعمیرات آن وجود دارد. در اینجا باید توصیه کنم که برخی از این قطعات مصرفی را حتماً به صورت زاپاس با خود داشته باشید، از لنت تا دیسک و شمع و...هرچند همواره توصیه می‌شود برای رانندگی با بنز فقط یک مقدار آب لازم است تا در جاده آب آن را کنترل کنید اما این حرف‌ها برای تمام بنزها مصداق ندارد و اگر قصد سفر با این ماشین را دارید حتماً وسایل مصرفی آن را در صندوق عقب بزرگ ماشین‌تان داشته باشید. در اصفهان مغازه‌های متعددی برای فروش قطعات بنز وجود دارد البته نه به تعداد ماشین‌های روز اما در حد مشترک بنز دانشجویی قطعات آن هم موجود هست. من نیز در چند نوبت برخی وسایل مصرفی ماشین‌ها را خریداری کرده‌ام شاید نوعی تمرین پس‌انداز پول هم بود زیرا در ماه همیشه یک مقدار از درآمد روزنامه‌نگاری را به خرید قطعات اختصاص می‌دهم و این باعث می‌شود حتی اگر این قطعات مصرف هم نشود بالاخره به جای ریال تبدیل به فلز شود. در بین مولفه‌های مصرفی بنز دانشجویی، روغن این ماشین‌هاست که در دستان توصیه شد که ضدیخی بی‌کیفیت که چند ماه گذشت تا روغن ماشین را عوض کنم یا روغن روغنی را مصرف کنند اما من به توصیه دوستان باید روغن بهران ۵۰لبندر پیدا می‌کردم که مختص کامیون‌ها بود زیرا روغن‌های دیگر روی این

حافظه تاریخی

روزی که ارتش شاهنشاهی فرودگاه مهرآباد را ترک کرد



تانک‌ها، نفربرها و ادوات و تجهیزات زرهی و نظامی ارتش شاهنشاهی بعد از پنج روز جنگ داخلی و خونریزی، در روز دهم بهمن ماه سال ۱۳۵۷ باند پرواز و محوطه اطراف فرودگاه را ترک کردند و از این لحظه سیل خروج مستشاران و خانواده‌های آمریکایی از ایران شدت گرفت. فرودگاه مهرآباد و فرودگاه‌های کشور و شدت گرفتن موج فرار آمریکایی‌ها از ایران در سال ۱۳۵۷ است. فرودگاه مهرآباد و سایر فرودگاه‌های کشور به دستور شاپور بختیار و میدان داری ارتش از آخرین ساعات پنج‌م بهمن ۱۳۵۷ بسته شد اما با بست نشینی مردم در مسجد دانشگاه تهران و تشدید اعتراضات خیابانی وارد فاز بحرانی تری شد. سید محمد حسینی بهشتی، مرز میانه‌های آمریکایی از ایران شدت گرفت. محمود طالقانی، محمدجواد باهنر، اکبرهاشمی رفسنجانی، محمد صدوقی، سیدعلی خامنه‌ای، محمد امامی کاشانی، محمد یزدی و علی مشکینی از ابتدای بسته شدن فرودگاه مهرآباد به دانشگاه تهران رفتند و در مسجد دانشگاه تحصن کردند. این اقدام چهره‌های مطرح انقلاب موجب همکاری اساتید و دانشجویان دانشگاه و حمایت مردم از این حرکت اعتراضی و کشیده شدن دایره اعتراضات به خیابان‌های اطراف دانشگاه تهران و سایر خیابان‌های شهر شد. شدت حمایت مردم از سفر آیت‌الله خمینی به ایران به حدی بود که رادیو مسکو در گزارشی از قول رمزی کلارک وزیر وقت دادگستری آمریکا اعتراف کرد که ۹۹درصد مردم ایران خواستار بازگشت آیت‌الله خمینی هستند و جدا اصرار دارند رژیم ضدملی در ایران از بین برود. دو روز قبل از بازگشایی فرودگاه‌های کشور مردم معترض و به شدت صعبانی تهران و تبریز و سایر شهرهای بزرگ کشور در اعتراض به بسته بودن فرودگاه‌های کشور به خصوص بسته بودن فرودگاه بین‌المللی مهرآباد در تاریخ هفتم و نهم بهمن ۱۳۵۷ از دانشگاه تهران تا فرودگاه مهرآباد و در دیگر خیابان‌ها و معابر مهم شهر به خیابان‌های شهر ریختند و راهپیمایی کردند. فرمانداری نظامی تهران در تاریخ دهم بهمن در گزارشی محرمانه به حجم جمعیت حاضر در راهپیمایی ۹ بهمن ۱۳۵۷ اشاره کرد و نوشت: ساعت ۹:۳۰ حدود ۳۰۰۰ نفر در خیابان

نگارخانه

نگاهی به داستان‌های کوتاه «مرزهای بعدی» علی پورصفری آمیزش تجارب زیستمانی با تخیل فرهیخته



فیض شریفی
منتقد و پژوهشگر ادبیات

مجموعه داستان کوتاه «مرزهای بعدی» نوشته علی پورصفری ۲۳داستان کوتاه دارد. پورصفری در پیشانی کتاب نوشته است: «بوسندگی اگر هزار بدی داشته باشد لاقال یک چیز خوب دارد و آن این است که دیگر نمی‌توانی در روابطت و با مردم دروغ بگویی، چرا که تمام دروغ‌هایت را در نوشته‌هایت به کار برده‌ای و دیگر دروغی در چنته نداری.» پورصفری را خوب می‌شناسم، پیش از این‌ها دفترهای شعر او را خوانده‌ام و بر آن‌ها نقدی نوشته‌ام. علی‌شاعر و نویسنده پرشور و عالمی است، با شوریدگی می‌نگارد و با عقل امضا می‌کند: «پروانه اول توی خانه آرام چرخید و بعد با صدای افسوسنی که گویا از اعماق جنگلی بی‌انتهای آمد در راهرو گم شد. موهای سیاه زن ولو شدند توی هوا و تا روی شانهاش ریختند آرام گفت: «اون بیرون خودم هستم» قطار را

داستانک

بعد از کلی بازی و پریدن از روی کرسی و قایم‌باشک و بازی با مهدی دانش بزرگ‌ترم، سسری به آشپزخانه زدم و کمی نان و پنیر خوردم. مهدی گفت دیگه بازی کافی. الان منم می‌شود، من باید تاکیلم را انجام بدهم. شب می‌گفتم می‌شه تو تا تکالیفم را می‌نویسی منم نقاشی بکشم. باشه بیا این کاغذ و اینم مداد. داشتیم نقاشی می‌کشیدم که خوابم برد، وقتی بیدار شدم سکوت و تاریکی خانه را فراگرفته بود. کمی اطرافم را نگاه کردم، ترس به جانم افتاده بود. شروع کردم به صدا زدن ماما، ماما، بابا، بابا، علی‌رضا، اکرم، مهدی، ولی از کسی خبری نبود. دیگه زدم زیر گریه سر جام میخ‌کوب شده بودم ولی گریه هم فایده نداشت. تصمیم گرفتم لامپ اتاق را روشن کنم. همین که داشتم می‌رفتم پام به چیزی برخورد کرد، افتادم، دوباره زدم زیر گریه؛ ماما، بابا شماما کجایی؟ ولی جوابم سکوت، سکوت و سکوت بود. با هر زحمتی بود خودم را به کلید برق رساندم و لامپ را روشن کردم. کمی اطرافم را نگاه کردم، نگاهم به کیف مهدی که بغل

داستانک

حادثه در تاریکی



فرزانه امجدی
نویسنده

کرسی بود افتاد. باعث زمین خوردنم شده بود. یواش یواش و دست به دیوار به طرف اتاق خواب رفتم، ژاکت و کلامه را پوشیدم و چکمه‌های پلاستیکی فرمزم را پام کردم و در حیاط را بستم. توی ذهنم می‌دانستم خانواده کجا رفته. به راه افتادم؛ سکوت کوچه را فراگرفته بود، کمی ترسیده بودم ولی دیگر کاری نمی‌توانستم انجام بدهم. در حیاط را بسته بودم و تازه سرما تا مغز استخوان فرو می‌رفت. با بغض و هق‌هق ادامه دادم؛ رسیدم به خیابان کمی جلو رفتم. چندین دقیقه یک‌بار با یه ماشین رد می‌شد. کمی که رفتم نا‌گهان از پشت سرم صدای پارس سگ شنیدم؛ سگی بزرگ به طرفم پارس می‌کرد و آب دهانش بیرون می‌ریخت. در چشمم پرهم‌زدنی در حلقه‌ای از سگ‌ها بودم که هم زمان پارس می‌کردند و من از ترس نشسته بودم و از عمق وجود جیغ می‌زدم و گریه می‌کردم. صدای سگ‌ها مثل طبل در سر می‌کوبید. ناگهان با صدای مری که سسگ‌ها را فراری می‌داد به خودم آمدم. شوهر دختر عمومی بابام بود.

- دختر عمو این وقت شب تو خیابون تنها چکرا می‌کنی؟
- بابایا، بابایا! مهمومونی خوننده.
- نمی‌خواد بگی فهیمدم کجا هستند.
دو چرخه را از روی زمین برداشتم، من را سوار دوچرخه کرد.

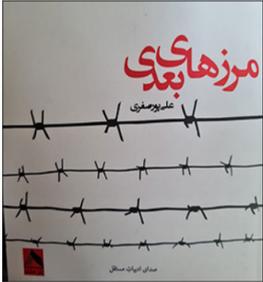
میراث

کشف یکی از قدیمی ترین اجساد غیرسلطنتی در مصر:

مومیایی ۴۳۰۰ساله پوشانده‌شده با طلا

باستان‌شناسان اعلام کردند که یک مومیایی پوشانده‌شده با ورقه طلا را در مصر پیدا کرده‌اند که برای ۴۳۰۰سال درون یک تابوت مهروموموشده، قرار داشته است. آن‌طور که بی‌بی‌سی در گزارش خود توضیح می‌دهد، گفته می‌شود که این مومیایی، بقایای مردی به نام هکاشیس است که یکی از قدیمی‌ترین و کامل‌ترین اجساد غیرسلطنتی محسوب می‌شود که تاکنون در مصر کشف شده است. باستان‌شناسان مومیایی را در یک چاه ۱۵متری در جنوب شهر قاهره کشف کردند؛ جایی که سه مقبره دیگر نیز در آن پیدا شده است. یکی از این مقبره‌ها متعلق به فردی به نام «مری» است که به گفته باستان‌شناسان، «نگهبان مخفی» فرعون بوده است؛ یک عنوان کشیشی که توسط یکی از مقامات ارشد کاخ منصوب می‌شد و قدرت و اختیار بزرگاری مراسم‌های مذهبی خاص را به فرد ارائه می‌کرد. همچنین بزرگ‌ترین مومیایی که در این گورستان باستانی کشف‌شده، به مردی با نام «خنومجدف» تعلق دارد که یک کشیش، بازرس و ناظر اشراف بوده است. گفته می‌شود که در مقبره دیگر یک قاضی و نویسنده به نام «فتک» دفن شده باشد. همچنین در این مقبره، مجموعه‌ای از مجسمه‌ها کشف شده که طبق گزارش‌ها، بزرگ‌ترین مجسمه‌هایی هستند که تاکنون در این منطقه پیدا شده‌اند. «زاهی حواس»، باستان‌شناس و وزیر پیشین آثار باستانی مصر گفته است که تمام اکتشافات

دریچه



محکم کوبید روی میز چوبی رو به رویش، زن ترسید و نفس نفس می‌زد. با عصیانیت کنار آینه قدی ایستاد چند تار موی سفید کنار شقیقه‌اش، بیشتر شده بودند. ناگهان بلند خندید؛ بعد با حالت تمسخرآمیزی گفت: «حالا حالا اون بالا چه کار می‌کنی؟» زن بیت‌فاوت گفت: «همه کار ... هم به درختای باغچه آب می‌دم هم پروانه‌ها رو تعقیب می‌کنم. شاید باورت نشه هر چقدر بیشتر می‌دوم بزرگ‌تر میشم ... بزرگ ...»

آنچه پورصفری در داستان دروغ می‌پنلارد آتمسفر و فضای سورئال و نثر شاعرانه در داستان‌های اوست. نظامی می‌گوید: «در شعر میبچ و در فن او/ چون احسن اوست اکتب او» اکتب در شعر و داستان احسن علی پورصفری است. نویسنده، تجارب زیستمانی خود را با تخیل فرهیخته‌اش درهم می‌آمیزد و آش درهم جوش خوشمزه‌ای بر میز می‌گذارد: «ترس و وحشتش هر لحظه بزرگ‌تر می‌شد، تا جایی که حشمت تمام اتاق را پر کرد. سنگ، کش، دمپایی و اشیای دیگر به طرفش پرتاب می‌شدند

- مواظب باش پاهات تو اسپک دوچرخه نره. سرم را تکان دادم. در راه رکاب می‌زد و غر می‌زد به بابا و ماما.
- عجب خانواده بی‌خیالی! الان خوبی؟
بازم سرم را تکان دادم؛ انگار زبونم به حلقم رسیده بود. تا که رسیدیم خانه سرناز اینا شوهر دختر عمومی بابا در زد. بابای سرناز در را باز کرد و با دیدن من چشم‌هاش از حدقه بیرون آمد. ز شوهر دختر عمومی بابا که با بابای سرناز هم فامیل بود پیاده شد و با تعارف بابای سرناز رفتم داخل. همه متعجب از اینکه من آمدم با صورتی گریان!

شوهر دختر عمومی بابا عصبانی گفت: شماها خیلی بی‌خیالید. بچه را تنها گذاشتین و آمدین مهربانی، اگر نرسیده بودم از ترس زهره ترک شده بود.
اکرم سریع بلند شد من را بغل کرد برد دستشویی و دست و صورتم را شست. ماما و ماما سرناز برام آب قند آوردند. هنوز عین بید می‌کرزیم.
مامان گفت: هر کاری کردیم بیدار نشد از خواب. شوهر دختر عمومی بابا گفت: خوب حداقل تو خواب بغلش می‌کردین.
شمرندگمی در صورت تک تک اعضای خانواده دیده می‌شد.
سرناز رفت از اتاقش عروسکش را آورد.
- بیا بیای بازی کنیم. چقدر نبودی من تنها بودم.

مقاله‌های ویژه

آورده‌اند که یکی از خلفا بر یکی از متعلقان دیوان به دیناری خیانت بدید معزولش کرد. طایفه بزرگان پس از چند روز شفاعت کردند که بدین قدر آن بنده را از خدمت در گاه محروم مگردان. گفتا غرض مقدار نیست، غرض آن که چون مال ببرد و پاک ندارد خون رعیت بریزد و غم نخورد.

منتقدان کلام

جریان هم‌سو: جریان موازی نیز نام دارد. در مبدل‌های حرارتی که جریان موازی هر دو سیال از یک سمت وارد شده و به موازات هم در طول لوله مبدل حرکت می‌کنند، در این حالت بیشترین انتقال حرارت در لحظه ورود سیال سرد و گرم شکل می‌گیرد و در خروجی دمایشان به هم نزدیک می‌شود. در ساده‌ترین نوع مبدل‌ها یعنی مبدل‌های دو لوله‌ای از این نوع جریان استفاده می‌شود.

مجاز‌نشان

بدون وی‌پان به سری سایت‌های ایرانی هم درست باز نمی‌شن چون از سرویس‌های فیلتر شده یا تحریمی استفاده می‌کنن. بعد وی‌پان که فعال می‌کنی خود ساینته دیگه کلا نمیداد چون دسترسیش فقط از داخل ایرانه(Alooche)

یکی از روزایی که تو این روزا می‌تونه حال‌تو از اینی که هست بدتر کنه روز تولده. به خودت میای می‌بینی عه به سال دیگه هم زنده موندی ولی زندگی نکردی. (حانیکا)
من قرار بود وقتی ماشین خریدم حواسم به اونایی که وقتی پیاده بودم کنارم بودن باشم که الان با این قیمتا باید چراغ‌آراو خاموش کنم هر کی می‌خواد بره، بره من ماشین بخر نیستم. (شارلوت روتنه)
بری قضایی ۴ کیلو گوشت بخری بیای بیرون، مسیر زندگیت عوض می‌شه. دوباره باید از اول برنامه‌ریزی کنی. (فرشید)

تلاش

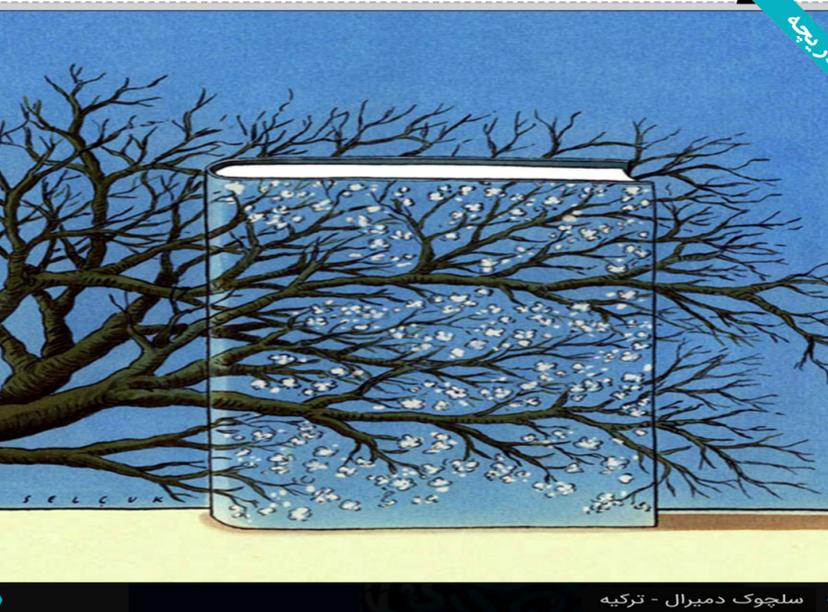
ایمپلنت مغزی در آستانه ورود به بازار

شرکت Precision Neuroscience درحال کار روی دستگاهی است که می‌تواند به افراد درگیر با معلولیت دراستفاده از ابزارهای دیجیتال کمک کند. این شرکت که توسط بنیان‌گذاران نورالینک تأسیس شده، اخیراً دور جدیدی از جذب سرمایه را پشت سر گذاشته است تا رابط بین مغز و کامپیوتر خود را که کوچک‌تر از یک موی انسان است، به بازار نزدیک‌تر کند. به گزارش CNBC، قشر مغز انسان از شش لایه سلولی ساخته شده است، اما Precision Neuroscience مشغول توسعه دستگاهی است که شبیه به لایه هفتم مغز خواهد بوداین دستگاه درواقع Cortical V Layer Interface یا «رابط قشری لایه ۷» نام دارد و در سر بیماران کاشته می‌شود تا از طریق سیگنال‌های عصبی به افراد اجازه ارتباط با کامپیوترها را بدهد. این دستگاه به بیماران درگیر با زوال عصبی مثل ALS کمک می‌کند تا دوباره امکان ارتباط با عزیزان خود را داشته باشند. محصول Precision Neuroscience شبیه به یک تکه چسب نواری است که ضخامتی کمتر از موی انسان دارد و بدون آسیب‌زدن به بافت‌های مغز می‌تواند با آن‌ها ارتباط برقرار کند. یک آرایه از دستگاه لایه ۷، رابط مغزی Precision Neuroscience به‌راحتی در جمجمه کاشته می‌شود کاشت «لایه ۷» توسط یک جراح قابل‌انجام است و فقط باید شکاف بسیار کوچکی درون جمجمه ایجاد گردد تا این دستگاه مانند یک نامه به درون مغز فرستاده شود. «هایکل میگر»، مدیرعامل Precision می‌گوید اندازه این شکاف کمتر از یک میلی‌متر خواهد بود و به همین خاطر بیماران حتی لازم نیست موهای سسر خود را بتراشند. این جراحی به‌خاطر ماهیت خود به‌راحتی می‌تواند مقیاس‌پذیر باشد و تمداد اکترودهای آرایه خود را تغییر دهد. میگر می‌گوید این روش در نهایت به این دستگاه اجازه خواهد داد تا برای افراد غیرمعملول هم استفاده شود. همچنین به توجیه به قابل‌برگشت بودن آن، اگر افراد دیگر نخواهند این ایمپلنت را داشته باشند، می‌توانند آن را از مغز خود خارج کننداین شرکت تاکنون با موفقیت توانسته است از دستگاه لایه ۷ برای رمزگشایی از سیگنال‌های عصبی در حیوانات استفاده کند و امیدوار است که بتواند در ماه‌های آینده مجوز آزمایش‌های انسانی را دریافت کند.

اختراع رباتی که می‌تواند

از جامد به مایع تبدیل می‌شود

محققان یک ربات تغییر شکل دهنده ابداع کرده‌اند که می‌تواند به حالت مایع دربیاید و به نقاط غیر قابل دسترسی نفوذ کند. این در حالی است که پیش ازاین نرم ربات‌هایی ابداع شده بودند که با کمک نیروی مغناطیس حرکت میکردند. این ربات شبیه یک تکه اسباب بازی لگو است که می‌تواند از حالت جامد به مایع ذوب شود و خود را طوری تغییر دهد که وارد فضاهای تنگ و تارک شود و فعالیت‌های مختلفی انجام دهد و حتی از قفس فرار کند. در تحقیقی که در ۲۵ژانویه ۲۰۲۳میلادی در ژورنال Matter منتشر شده، محققان قدرت خارق‌العاده ربات را برای تغییر شکل نشان دادند. این ابزار را می‌توان از راه دور و با میدان مغناطیسی کنترل کرد. ربات مذکور از ترکیب نئودیم، آهن، برون و گالیوم مایع ساخته شده است. محققان برای ساخت ربات از طبیعت الهام گرفته‌اند. بیشتر موادی که برای ساخت این ربات‌ها به کار می‌روند می‌توانند وارد فضاهای ظریف و حساس مانند بدن انسان شوند زیرا انعطاف‌پذیر هستند. درعین حال ربات‌های مذکور حالت جامد دارند و نمی‌توانند از فضاهای بسیار باریک عبور کنند. علاوه بر آن مایعات مغناطیسی نمی‌توانند اجسام سنگین را حل کنند. اما ربات جدید می‌تواند تحت فشار یا هنگامیکه باری سنگین تر از خود حمل میکند، قدرتمندتر عمل کند. یک نمونه از این ربات جامد حدود ۵میلی گرم وزن دارد و می‌تواند ۳۰برابر وزن خود را حمل کند.



سلجوق دمیرال - ترکیه